

سی فصل تحقیق و رموز استنتاج

مقصود از تحقیق و استنتاج وصول بمقصد معین و آنهم کشف حقیقت واقعه میباشد برای رسیدن باین مقصد راههای بسیاری است که بر حسب اوضاع و احوال و طرز تشخیص شما باید کوتاه ترین راه تحقیق انتخاب شود و رجوع بخبره نیز یکی از مراحل پیمایش این راه است و عقیده او فقط کمک بظن و گمان شما میکند نه اینکه دلیل و مدرک متقنی باشد در هر نکته از اظهارات خبره اگر مشکوک شدید خوبست برای رسیدگی و تفشیش عقیده او به خبره دیگر رجوع کنید.

انتخاب خبرگان

انتخاب خبره کاملاً آزاد و مستنطق هر کس را بعقیده خود لایقتر میدانند میتوانند انتخاب نمایند در مواردیکه احتیاج بتفتیشات طبی است البته باید رجوع باطبائی نمود که در فن طبابت دارای تصدیقنامه های قانونی هستند در هر صورت وجود تجربه و تخصص و لیاقت شرایط اول انتخاب آنها است. همینکه شخصی بکار و شغلی مشغول شده باشد نمیتوان او را بعنوان خبره انتخاب نمود بلکه باید در فن خود مهارت و تجربه کافی داشته و صداقت و پاکیزه کاری او مسلم باشد. مقصود از تجربه و مهارت نهایت است که صرفاً از راه تحصیل علوم منبع اطلاعاتی دارا باشد بلکه باید مشغول و در جریان عمل بوده و آن اصول علمی را اعمال نماید همیشه انتخاب بهترین و مجرب ترین خبرگان را در نظر داشته و در قسمتهای طبی مخصوصاً باطباء متخصص مراجعه نمائید هر طیبی که اطلاعات فنی و تخصصی او بیشتر است از او استفاده کنید مثلاً در تشریح جنازه خیلی از آثار داخلی را ممکنست طیب قانونی شما تشخیص ندهد و کنجکاری ننماید و حال آنکه طیب متخصص تر دیگر کنجکاری کند. همچنین طیبی

سوالهاییکه از خبرگان میشود سعی کنید خیلی واضح و روشن و مربوط به تخصص و اطلاعاتشان باشد سعی کنید سؤال را طوری نمائید که جواب متقنی در دست آید خبره پس از طرح سؤال جوابهای خود را تهیه یا بشکل راپرت کتبی و سفارشی عقیده خود را بمستنطق ظاهر مینماید و مستنطق بنوبه خود آنرا در اوراق تحقیق وارد میسازد سعی نمائید خبرگان راپرتهای خود را ساده و خوش انشاء تنظیم کنند و از استعمال عبارات و علائم تخصصی و فنی خودداری نمایند تا محکمه دچار تأمل نشود و راهراشکالی را مسدود نمائید و محل تردیدی باقی نگذارید این شرایط وقتی عملی است که در طرح سؤالهای خود خیلی دقت کرده باشید. سعی کنید از موضوع دعوا و قرائن و امارات و اوضاع و احوال خبرگان مطلع شوند و صرفاً عقیده خود را متکی بجنبه تخصصی و فنی خویش قرار داده و آنچه مشاهده می کنند اظهار نظر نمایند.

اگر خبرگان از اسرار تحقیق مطلع شوند هر قدر بی طرف و بی نظر باشند باز عقیده آنها مزوج با آثار جزائی شده و از شیوه اصلی خود که حقیقت جوئی فنی است دور میافتند پس از اینکه خبرگان عقیده خود را اظهار نمودند نتیجه رأی آنها را با کشفیات خود تطبیق نمائید. البته برای آنها تسلیم حتمی نشوید ولی در تقویت خیال و ظن خود مینگرید سعی نمائید دوسیه را که تشکیل میدهند از بدو شروع بکار هر قدر بیشتر وارد تحقیق میشوید و مراحل آنرا جلو ببرید کم کم بحقیقت واقعه نزدیک شوید و دوسیه را بقالبهای اصول معاکمائی باز نیاورید و پاینده عقیده خشک شهود با آثار دروغی جرم یا اظهار عقیده مجرد خبره نگردید واقعه را خوب درک و حقیقت را بی برید در هر صورت

که در فن شریح و بدن شناسی از همه بیشتر مهارت دارد مورد نظر قرار دهید وقتی مسمومین را مورد تحقیق و معاینه قرار دهید ممکنست محتساج باشید که بفهمید ترکیبات سموم در بدن مسموم چه بوده البته طبیب قانونی ممکنست در علم شیمی ماهر نباشد اینجا باید بطبیعی مراجعه نمائید که در فن شیمی اطلاعات عمیق و صحیحی داشته باشد حیثیت و شرافت و نجابت خبره را در نظر بگیرید امانت و صداقت و علاقه مندی بن خود او را دقیق باشید به ثبات عقیده و فراست و ذکاوتش اهمیت دهید و همیشه در امور جزائی بیش از يك خبره انتخاب نمائید زیرا خبره که مشغول آزمایش و امتحان و معاینه است شخصاً نمیتواند همه جزئیات را دقت کند و اینکه ناظر در عمل و حاشیه نشین است خوب میتواند جزئیات را ببیند و ابراد کند و یا نکاتی را که اولی فراموش نموده باو متذکر شود بنا بر این باید عده خبرگان همیشه بیش از دو نفر باشد زیرا اگر دو نفر انتخاب شوند در مورد اختلاف عقیده ثالثی نیست تا عقیده جمعی غلبه نماید و اکثریت آراء تولید گردد.

در اعمال خبرگان همیشه نظارت و تفتیش کافی بنمائید تا دچار اشتباه و خطاهای عظیمشان که در اثر پیروی کردن کور کورانه عقیده خود یا عدم تعجر و تخصص فنی و یا تصورات فرضی دور از حقیقت ایجاد میگردد نشوید

ضبط و توقیف آلات و ادوات جرم

استراق مخبرات

ضبط و توقیف مطلقاً وسیله ایست که کلیه آثار و عناصر و عوامل جرم را در دسترس مستنطق زبر دست میگذارد وجود این آثار سبب میشود که در ساعات مطالعه دوسیه بین هر موضوع قضوت کافی شود و نقشه های دیگری از تحقیق بذهن و خیال راه یابد. در هر موضوعی امتحان دقیق بعمل آید. سئوالات مفیدی برای کشف حقیقت واقعیه طرح نماید ضبط اشیاء ذیالرا در تحقیقات مقدماتی فوراً مورد نظر قرار دهید:

۱ - آلات و ادوات جرم

۲ - محصول جرم

۳ - اسناد و مدارک

۴ - آنچه ضبط و توقیفش سبب کشف جرم و باقرار

آمدن متهم باشد

۵ - آثار مادی جرم اسلحه کارد چاقو و دشنه و

شمشیر چوب و چماق ضبط شود محصول و عوایدی که

از ارتکاب جرم نصیب مجرم شده مثل اموال مسررقه توقیف

شوند عواید و محصول ناشی از جرم کلاه برداری و خیانت

در امانت و ارتشاء و اختلاس و از این قبیل ضبط شود.

بطور کلی اشیائی را ضبط و توقیف کنید که برای کشف

حقیقت واقعه مفید و ضمناً آن شیئی رابطه با ارتکاب و عمل مجرم

داشته باشد و احتیاطاً اگر بعضی اشیاء را حدس میزنید و

وجودش ممکنست لازم شود خوبست تعریف و توصیف آنها را

بنمائید بدون اینکه ضبط و توقیف کنید.

اشیاء را باید در محل محفوظ بگذارید که هیچ تغییری

نه بینید هر شیئی را که باید ضبط شود اول آنرا وارد دفتر

تحقیق نمائید و کاملاً تعریف و توصیفش کنید و سپس آنرا

متذکر شوید بھر حالتی که می بینید مجسم سازید و از

محلی که بر میدارید کاملاً تشریح نموده و نکات آنرا بیان

دارید. اگر دلائل طوری است که نمیتوانید محل آنرا تغییر دهید

و یا از محلش بردارید بهمان حال او را باقی گذاشته و در حفظ

موقعیتش بکوشید.

هرگاه مایعاتی را مجبور ضبط و حفظ باشید در سه

ظرف علیحده از آن بردارید و مهر و موم کنید. کلیه

مکتوب و مراسلات و مخبرات متهمین را اگر مجبور بتفتیش

و نظارت شدید با دانه پست اطلاع دهید که نزد شما فرستند

و یا شخصاً اگر بتوانید آنها را بدست آورید مکالمات تلفنی را

میتوانید گوش کنید و بفهمید چه صحبت میشود و چه بر گه

میتوانید از جرم بدست آورید.

تفتیش منزل و اقامتگاه متهم

مقصود از تفتیش منزل اینست که آلات و افزار و مدارک بدست آید تا سبب اقرار متهم بعمل خویش گردد و ضمناً متذکر باشید وقتی مبادرت باین امر شود که یا یقین داشته باشید در منزل متهم آلات و ادوات جرم موجود است و یا راهی برای تحقیق و وصول بدارک حقیقت جز تفتیش منزل نداشته باشید.

تفتیش منزل از وظائف مخصوصه قضاة تحقیق یعنی مستنطقین است که در معیت مدعی العموم دربار که کار میکنند و مأمورین شهربانی قانوناً حق ورود مطلقاً در منازل اشخاص ندارند ولو اینکه یقین کافی باشد آلات و ادوات جرم در منزل او یافت میشود (ماده ۲۲ اصول محاکمات جزا) فقط در بلك مورد حق ورود دارند و آن وقتی است که در غیاب مستنطق و مدعی العموم بتوان آثار جرم را محو نمود و تحقیقات و اقدامات قانونی هم فوریت داشته باشد (ماده ۲۳) و در سایر موارد باید با اجازه مدعی العموم هر عمل خود را انجام دهند تفتیش فقط باید در منزل متهم و شرکاء و معاونین او باشد در اماکن عمومی که مهبای رفت و آمد عموم است ضابطین عدلیه عموماً میتوانند داخل شده و وظائف خود را انجام دهند بنا بر این منزل کسی را غیر از متهم و شریکش نمیتوانید تفتیش کنید و اگر یقین کافی و قطعی هم داشته باشید که افزار و آلات جرم در منزل شخص دیگری غیر از متهم است نمیتوانید بمنزل او وارد شوید و همچنین اگر متهم در خانه و منزل شخص دیگر مخفی و پنهان شده نمیتوانید دستگیری او را بهانه اذن دخول خود بدان منزل قرار دهید از طرف دیگر حق ورود هم اگر پیدا شد نمیتوانید هر وقت که میخواهید داخل شوید بلکه باید سمعی نمائید و ورودتان مصادف با ساعات کار روزانه ملی باشد و از ساعات استراحت و خواب و صرف غذای اشخاص اشغال ننمائید مگر اینکه تحقیقات فوق العاده ضروری و فوری و فوری باشد. البته میدانید هر حقیقه ایجاد میشود حق رفع موانع برای اجرای آن حق نیز ایجاد میگردد چه اگر حقی را ایجاد کنیم و

موانعی هم موجود باشد و بگوئیم رفع موانع را قانون اجازه نداده برخلاف فلسفه ایجاد آن حق خواهد بود: پس همینکه بمستنطق حق داده شد بمنزل اشخاص وارد شود البته اگر موانع از قبیل دربهای بسته و صندوق های قفل زده و اشیاء ملفوفه جلو آمد حق دارد همه را باز کند بدون اینکه تعرضی متوجه او شود.

حال باید دید مستنطق میتواند این حق خود را سرایت بمواردی بدهد که موانع بموجب نظامات دولتی ایجاد شده باشد یا نه: مثلاً حق دارد بمخزن اسلحه که بر حسب نظامات ارتش حق ورودش ممنوعست وارد شود و یا بمحل نمایندگان و محاکمات سری بدون رعایت تشریفات قانونی داخل گردد. چون ظاهراً متن قانون به عبارت منزل و اشخاص تنظیم یافته معلوم میشود مستنطق در رابطه با افراد عادی این حق را دارا است نه افراد دولتی چه مؤسسات دولتی بر آنها اطلاق منزل نمیشود و رؤسای آنها نیز صاحب خانه خطاب نمیکرد ولی با در نظر گرفتن وظائف استنطاقی و کشف جرم در این مورد مستنطق چه کند باید اذعان نمود که قانون گذار در تمییز و انشاء متن نص قانونی مسامحه و سهل انگاری نموده با در نظر گرفتن اهمیت کشف جرم و حق تفتیش مستنطق و اینکه ماده ۹۸ میگوید مقامات و مأمورین دولتی نمیتوانند از دادن اسباب و آلات جرم بمستنطق امتناع نمایند و دفاتر خود را باید ارائه دهند شکی نیست در این موارد ورود او با ماکن نام برده جایز میباشد چه آنکه منع ورود برای اشخاص عادی است نه مستنطق. در هر صورت چون در این مورد مقررات قانون با هم اصطکاک دارند تا نص صریحی این اختلاف را حل نکند نمیتوان در موارد فوق مستنطق را حاکم دانست.

پس می بینیم مقصود از تجسس منزل بیشتر آنست که در تکابوی وسائل اثبات باشیم و برگه بدست آوریم تا بتوانیم حدس و احتمالات خود را بسر حد یقین رسانیده و راهی برای کشف جرم باز کنیم. در موقع تجسس منزل قانون گذار خیلی بی رحمت و با عقیده خشک مگرهی این حق را او گذار نموده و نخواسته بحق مصونیت مسکن افراد که از حقوق اساسی

آنها است لطمه وارد آورده باشد و بهمین نظر است که این حق را فقط بمستنطق واگذار نموده و سایر ضابطین عدلیه را از این حق ممنوع دانسته و این که در موارد فوری نیز سایر ضابطین و مامورین شهربانی را حق ورود داده علت آنست که حفظ دلائل و آثار جرم بر همه چیز حتی رعایت حقوق انفرادی اولتر و مووردی است که هنوز مستنطق مشغول اجراء استنطاق نگردیده و بیم آن میرود جرم تجلی نکند و کرده مجرم در عالم پنهانی جاگیرد و نظام اجتماع اختلال پذیرد ولی این نکته ناگفته نماند که نباید زیاد در اطراف رعایت این حق مصونیت مسکن غوغا کرد زیرا ستمدیده که مورد و هدف اصابت جرم است نیز باید مورد شفقت واقع شده و بنام قانون و عدالت از او حمایت بعمل آید.

حدود حق تفتیش در منازل اشخاص

مطابق اصل نهم متمم قانون اساسی ایران «افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند» و مطابق اصل سیزدهم «منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است در هیچ مسکنی قهراً نمیتوان وارد شد مگر بموجب حکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده» با در نظر گرفتن این دواصل که خواسته اند اجراء داد کستری را باعلا درجه کمال رسانیده و حقوق طبیعی ساکنین کشور را رعایت نموده باشند می بینیم ضمناً نص صریح قانون اساسی اجازه میدهد که قوانین بعدی در صورت لزوم استثناء و تحدیدی بر این حق وارد سازد و چون افزایش اعمال جرم آمیز بستگی بافزایش و توسعه ارتباطات اجتماعی دارد و هر قدر افراد انسانی در اصطکاک و بر خورد با هم آیند اختلاف زیادتر پیدا میشود و ناگزیر تمبیه و سیاست توسعه میابد لذا مجبوریم باین حق مصونیت بیشتر فشار و تحمیل وارد آوریم. البته تشکیلات هر کشور اجازه نمیدهد که به نسبت افزایش جرائمش تعداد مستنطقین زیاد شود و حتی میتوان گفت اصولاً تعدیلی بین این دو نسبت نیست پس بسیاری از اعمال مجرمین در هر حوزه و منطقه در غیاب مستنطقین

بعمل میآید و اگر بخواهیم تعرض بمسکن را فقط از حقوق مستنطقین بدانیم لازم است آنست که از کشف بسیاری جرائم صرف نظر کنیم بنابراین این اقتدارات قواء شهربانی را در این زمینه باید افزود و حتی الامکان سعی کرد منطقه و حوزه ماموریت آنها میدانش تنگ و کوچک و سرعت اعمال و ارتباطشان فوق العاده در هر مورد زیاد باشد خلاصه تا زمانی که قانون کشور ما در این زمینه اصلاح نشده اگر یقین قطعی هم باشد که جانی و الات و ادوات جرم در منزل شخص دیگری یافت میشود ناچار باید گرداگرد آن محیط در انتظار خروج متهم و پیدایش آن افرز باشیم البته ممکن است از صاحب انمسکن تقاضای ورود و تفحص را نمود ولی در صورتیکه این تقاضا اجابت نشد حق ورود قهری دیگری برای ماباقی نیست. یک نکته محل تأمل و تردید اینست که ماده ۹۴ اصول محاکمات جزا میگوید تفحص در حضور صاحب خانه بعمل میآید مقصود از صاحب خانه غیر از شخص متهم است. چه اولاد در فصلی این ماده واردست که قانون مشغول گفتگو در طرز جمع آوری و دلائل جرم و تحقیقات مقدماتی است. و از فصل استنطاق متهم کاملاً ممتاز بنا بر این صاحب خانه منظور شخص ثالث است و ثانیاً در اغلب موارد قانون می داند که متهم در چنگال مستنطق تحت توقیف میباشد دیگر حضور صاحب خانه چه معنایی دارد که مستنطق را مکلف بر رعایت این نکته نموده است و غائب بودن صاحب خانه چنانکه در ذیل این ماده منصوص است قطعاً ناظر بکسی است که غیر از متهم میباشد. ولی در هر صورت چون این ماده جزء اصول محاکمات جزا و حق مصونیت مسکن جزء اصول متمم قانون اساسی میباشد و ماده اصول محاکمات هر گز در تعارض و اصطکاک تاب مقاومت و برابری با اصول قانون اساسی نمی تواند داشته باشد ناچار باید در انتظار اصلاح این قانون نیز بوده و فعلاً مقصود از صاحب خانه را همان متهم تعبیر کنیم و لا غیر.

رضا لطفی

ناتمام